**جلسه هفدهم (۲۴/۸/۱۳۹۴)**

**نظر استاد:** به نظر ما تقلید نفس عمل به قول غیر است ( همین مقدار که طبق نظر فلان مجتهد عمل می­شود تقلید است) و برای اثبات مدعای خود چهار دلیل داریم.

**دلیل اول:** لِمناسبته المعنی اللقوی زیرا تقلید در لغط آویزان کردن قلاده در گردن است.

**توضیح:** عوام جامعه دین خود را با تقلید از مجتهد بر گردن او آویزان می­کنند و مجتهد مُتحمِّل مسئولیت اعمال عوام می­شود لذا تناسب حکم و موضوع ایجاب می­کند که ما تقلید را نفس عمل به قول غیر بدانیم.

**دلیل دوم:** ( این دلیل نقضی است ) تقلید به معنی التزام به قول غیر نیست زیرا مواردی داریم که التزام به قول غیر داریم اما کسی به آن تقلید نمی­گوید مانند:

**الف:** انسان نابینا گزارشی که بینا راجع به وقت و قبله به او می­دهد را ملتزم می­شود اما تقلید نمی­کند.

**ب:** التزام قاضی به بیِّنه و شهود را تقلید نمی­گویند

**ج:** التزام نماز گزار میهمان به گزارش صاحب خانه در طاهر بودن مکان نماز را تقلید نمی­گویند.

در این مثالها التزام داریم اما مقلِّد نیستیم . زیرا در تمام این موارد طرف مقابل مسئولیت عمل دیگری را به دوش نگرفته است و آن شخص جاهل دین خود را برگردن طرف مقابل آویزان نکرده است لذا بر قاضی لازم است علم به حکم داشته باشد و تنها شهادت کافی نیست ( شهاده بما هو شهادت کافی نیست مگر قاضی از آن علم به واقع پیدا کند)و بر نابینا علم به گزارش بینا داشته باشد و تنها گزارش فائده ندارد .

**نتیجه:** تقلید نفس عمل به قول غیر است نه التزام.

**دلیل سوم:** روایات زیادی داریم که تقلید را به نفس عمل بقول غیر معنی کرده اند. از جمله:

**الف:**مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ- لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ- وَ لَحِقَهُ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ ا [[1]](#footnote-1)

امام باقر علیه السلام می­فرماید هر کس فتوای بغیر علم دهد ... گناه کسی که به فتوای او عمل کرده است بر گردنش می­باشد. شاهد ما قسمت آخر روایت است( وِزرُ من عمِلَ بِفُتیاهُ)

**ب:** اسحاق ابن سیرفی می­گوید: از امام پرسیدم اگر مردی إحرام ببندد و هنگام تقصیر ناخن های خود را بگیرد اما انگشت علیلی داشته باشد و ناخن آن را نگیرد اما کسی به او فتوا دهد که ناخن آن را نیز بگیر و او عمل کند اما از ناخن او خون جاری شود در این صوره کفّاره بر گردن چه کسی است؟ امام فرمود آن مفتی باید کفاره بدهد.

**ج:** عبد الرحمن بن حَجاج نقل می­کند که امام صادق علیه السلام در یک حلقه ای از حلقات اجتهاد نشسته بود و صاحب آن ربیعه بود، مردی از ربیعه سوال کرد و جواب داد و در سوال بعدی ربیعه سکوت کرد و آن مرد اعرابی گفت آیا جواب آن سوال به گردن تو است؟ربیعه سکوت کرد. آن مرد دو مرتبه مسأله را تکرار کرد و ربیعه جپاب نداد آن مرد گفت مگر جواب آن به گردن تو است که جواب نمی­گویی امام صادق فرمود **هو فی عنقه** یعنی فتوا بر گردن او هست و فرمود **أو لم یقل و کل مفت ضامن**

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَاعِداً فِي حَلْقَةِ رَبِيعَةِ الرَّأْيِ- فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَسَأَلَ رَبِيعَةَ الرَّأْيِ عَنْ مَسْأَلَةٍ- فَأَجَابَهُ فَلَمَّا سَكَتَ قَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ- أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ عَنْهُ رَبِيعَةُ- وَ لَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ شَيْئاً- فَأَعَادَ الْمَسْأَلَةَ عَلَيْهِ فَأَجَابَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ- فَقَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ رَبِيعَةُ- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هُوَ فِي عُنُقِهِ- قَالَ أَوْ لَمْ يَقُلْ وَ كُلُّ مُفْتٍ ضَامِنٌ.[[2]](#footnote-2)

**دلیل چهارم:** اساساً اینکه تقلید به معنی نفس عمل باشد موافق استعمال عُرف است زیرا عرف هم می­گوید این عمل من به گردن فلان کس است و ... این معنی در عرف عرب به این صورت است که **قلدتکَ الدُّعا و الزِّاره** یعنی جعلتُ علیک الدعاءُ لی و الزیارهُ عنی.

1. ۱-وسائل الشیعه جلد ۱۸ کتاب قضاء ، باب چهارم ، حدیث اول ،صفحه ۳۱۷. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-وساُل الشیعه جلد ۱۸، ابواب آداب قاضی ، باب هفتم( أنَّ المُفتی إذا أخطأ أثم و ضمن) ،حدیث دوم . صفحه ۴۰۴ [↑](#footnote-ref-2)